

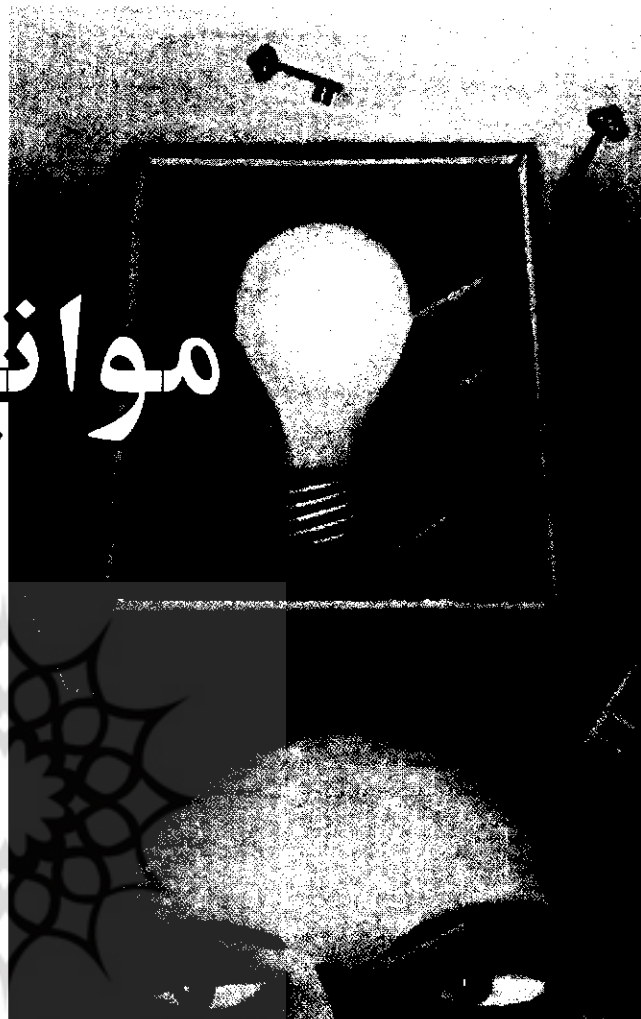
# موانع خلاقیت

## در محیط خانواده و مدرسه

افشین سلیمانی

نقل از کتاب: کلاس خلاقیت

از انتشارات انجمن اولیا و مربیان



مقدمه:

عوامل گوناگونی وجود دارند که در تمام مراحل زندگی، از بدو تولد کودک تا بزرگسالی می‌توانند به اشکال مختلف خلاقیت فرد را با مانع روبه‌رو سازند. برخی از این عوامل جنبه فیزیولوژیکی دارند و مستقیماً بر کنش‌های عمومی ذهن فرد تأثیر منفی می‌گذارند و فرایند رشد تفکر او را متوقف یا دچار اختلال می‌کنند، نظیر اختلالات ارثی یا ضایعات جسمانی و روانی که البته شامل درصد کمی از افراد می‌شود. اما عوامل زیاد دیگری نیز وجود دارند که مستقیم یا غیرمستقیم خلاقیت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند و سبب تضعیف یا تخریب آن می‌شوند. این دسته از عوامل را می‌توان تحت عنوان موانع محیطی خلاقیت نام‌گذاری کرد. برخی از این موانع منشأ خانوادگی دارند یعنی در جریان تعامل کودک با والدین و محیط خانه پدید می‌آیند و تعدادی دیگر از این موانع برخاسته از محیط تحصیلی فردند و در طی تعامل او با معلم یا مربی و هم‌چنین هم‌سالان در محیط‌های آموزشی، بر خلاقیت وی تأثیر مخرب می‌گذارند. موانع خلاقیت مبحث بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شوند و هر کدام از آن‌ها نیاز به طرح و بسط جداگانه‌ای دارد، اما در این جا موانع محیطی خلاقیت را تحت دو عنوان موانع خلاقیت در محیط مدرسه و موانع خلاقیت در خانواده، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بیش تر مبتنی بر سخن رانی و استفاده از مهارت های کلامی است، سبب می شود دانش آموز در فرایند تدریس و یادگیری و ایفای یک نقش فعال، فرصت مشارکت کم تری پیدا کند. دانش آموزی که در این نوع سیستم تحصیل می کند مجالی برای بروز استعداد های خلاق نمی یابد و به تدریج تحرک و پویایی خود را از دست می دهد.

### ۳- عدم شناخت معلم نسبت به خلاقیت

در بسیاری از موارد آشنا نبودن معلم یا مربی با شیوه های پرورش خلاقیت دانش آموزان، خود به تنهایی یک مانع بزرگ در این زمینه محسوب می شود. معلمی که شناخت صحیحی از ماهیت خلاقیت، موانع و روش های پرورش آن نداشته باشد، بدیهی است نه تنها نمی تواند اقدامی برای بروز استعداد های خلاق دانش آموزان خود در کلاس انجام دهد، بلکه ممکن است ناآگاهانه و به مرور زمان کلاس درس خود را به محیطی تبدیل کند که در آن خلاقیت دانش آموز سرکوب می شود.

### ۴- فقدان حداقل امکانات لازم برای انجام

#### فعالیت های خلاق دانش آموزان

هر چند بسیاری از فعالیت های خلاق نیازمند هزینه ها و امکانات خاصی نیست و اغلب آن ها با اندکی تغییر در روش های تدریس و استفاده بهینه از امکانات و فضای آموزشی موجود در مدارس قابل اجراست، گاهی فقدان حداقل امکانات لازم سبب می شود که انجام برنامه های پرورش خلاقیت در کلاس و مدرسه با مانع یا شکست روبه رو شود. این کمبودها در بسیاری از موارد تأثیری مخرب بر علاقه و انگیزه دانش آموزان برای شرکت در این برنامه ها می گذارد.

### ۵- اهداف و محتوای کتاب های درسی

موضوع اهداف و محتوای کتاب های درسی مبحثی بسیار گسترده است و از جوانب مختلف قابل بررسی می باشد، اما در این جا تا این حد بدان اشاره می شود که چنانچه در یک نظام آموزشی کتاب درسی به عنوان

## نقش در محیط



### ۱- تأکید زیاد بر نمره دانش آموز به عنوان ملاک

#### خوب بودن

این مسئله یکی از شایع ترین موانع رشد خلاقیت در دانش آموزان به شمار می رود. هنگامی که دانش آموز احساس کند تنها چیزی که اهمیت بیش تری دارد و در ارزیابی ها ملاک خوب بودن شمرده می شود، نمرات بالاست و نه چیز دیگر، در نتیجه کسب نمره بیش تر به خودی خود برای وی حکم مهم ترین هدف را پیدا می کند و او تنها در جهت به دست آوردن آن می کوشد. در چنین جوئی تلاش برای خلاقیت و نوآوری برای دانش آموز معنایی نخواهد داشت.

### ۲- روش های تدریس سنتی و مبتنی بر معلم

#### محوری

به کارگیری افراطی روش های سنتی تدریس که در آن ها غالباً معلم نقش محوری را در کلاس ایفا می کند و



مهم‌ترین و تنها منبع تدریس و آموزش مورد استفاده قرار گیرد و در عین حال در میان اهداف و محتوای آن چیزی به عنوان پرورش خلاقیت منظور نشده باشد، مسلماً دانش‌آموز آزادی عمل و توانایی لازم را نخواهد داشت که پا را از چهارچوب کتاب درسی خود فراتر بگذارد و در نتیجه او می‌آموزد که صرفاً در محدوده کتاب درسی خود بیندیشد و نه بیش‌تر.

#### ۶ - عدم توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان

در نظر نگرفتن این واقعیت که هر دانش‌آموز در عین اشتراکاتی که با دانش‌آموزان دیگر دارد، یک انسان منحصر به فرد است و دارای استعدادها، علایق و کوشش‌های ویژه خود نیز می‌باشد، سبب می‌گردد معلم دید و نگرشی یکسان نسبت به همه دانش‌آموزان داشته باشد. این نوع نگرش در حوزه پرورش خلاقیت یک مانع اساسی محسوب می‌شود و به ویژه سرخوردگی دانش‌آموزان خلاق را به دنبال خواهد داشت.

#### ۷ - عدم پذیرش ایده‌های جدید

عادت به تفکر کلیشه‌ای، راه‌حل‌های معمولی و تجربیات تکراری می‌تواند سبب پدید آمدن نوعی دید انتقادی در معلم و دانش‌آموزان در کلاس‌های درس شود که می‌توان آن را روحیه عدم پذیرش ایده‌های جدید نامید. برای دانش‌آموزی که از تفکری خلاق برخوردار است و میل به خلق ایده‌های نو و غیرمعمول دارد، بسیار مأیوس‌کننده خواهد بود که ایده‌ها و افکارش به خاطر غیرمعمولی بودن مورد بی‌توجهی معلم یا دانش‌آموزان دیگر قرار گیرد.

این دانش‌آموز به تدریج تحت تأثیر نظر جمع، ممکن است نوگرایی و این نوع تفکر خود را دال بر وجود ضعف یا مشکلی در خود تلقی کند. احساس غیرعادی بودن در بسیاری از دانش‌آموزان خلاق ناشی از وجود یک چنین جوی در کلاس است که در نهایت به خودسانسوری منتهی می‌شود.

۸ - ارائه تکالیف درسی زیاد به دانش‌آموزان  
انجام تکالیف درسی معمولاً بخش عمده‌ای از وقت دانش‌آموزان را به خود اختصاص می‌دهد. در مواردی که به دانش‌آموز تکالیف زیادی داده می‌شود و او ناچار می‌گردد همه توان و انرژی فکری خود را برای انجام آن تکالیف صرف کند، دیگر فرصت و هم‌چنین توانایی چندانی برای پرداختن به فعالیت‌های دیگر نخواهد داشت. به علاوه از آن جا که غالباً انجام زیاده از حد تکالیف درسی برای دانش‌آموزان چندان خوشایند نیست، این موضوع می‌تواند سبب بی‌علاقگی و بی‌میلی آن‌ها نسبت به فعالیت‌های دیگر از جمله فعالیت‌های خلاقانه که غالباً نیازمند آرامش فکری و روانی است، گردد.

۹ - استهزا و تمسخر به خاطر ایده یا نظر اشتباه  
در کلاس‌های درس زیاد اتفاق می‌افتد که دانش‌آموزی به دلیل مطرح کردن یک نظر اشتباه یا ایده‌ای نادرست یا عجیب و غریب، از طرف معلم یا دانش‌آموزان هم‌کلاسی خود مورد تمسخر و استهزا قرار گیرد. برای دانش‌آموزی که گرایش‌های خلاقانه دارد، این نوع برخورد دیگران حکم تویخ و تنبیه را دارد. در نتیجه احتمال دارد این دانش‌آموز به تدریج بیاموزد که ایده‌های خود را از ترس این که ممکن است اشتباه باشد و مورد استهزای سایرین قرار گیرد، اساساً به زبان نیاورد و آن را در درون خود سرکوب کند.

#### دانش‌آموز خلاق

به خانم معلم گفتم که نقاشی خواب  
دیشب خودم را کشیده‌ام. اما او هم مثل بقیه  
بچه‌ها مرا مسخره کرد؛ من هم آن را پاره کردم و  
به جای آن یک خانه و یک درخت کشیدم!

### ۳- تأکید افراطی بر جنسیت کودک

تأکید زیاد بر جنسیت کودک و تمایز قائل شدن زیاد میان دختر و پسر یکی از موانع مهم رشد خلاقیت کودکان در برخی از خانواده‌هاست. در برخی از فرهنگ‌ها بسیاری از دختران و پسرانی که از تفکر خلاق برخوردارند، به سبب ملزم شدن به رعایت پاره‌ای مقررات و هنجارهای از پیش تعیین شده و هم‌چنین به دلیل قرار گرفتن در نقش‌های قالبی که فرهنگ و محیط بر آن‌ها تحمیل کرده، علائق و تمایلات خلاقانه خود را سرکوب می‌کنند و در نتیجه به تدریج دچار تعارض شده، خلاقیت آن‌ها از بین می‌رود.

## موانع خلاقیت در محیط خانواده

#### ۱- تأکید بیش از حد والدین بر هوش و حافظه کودک

بسیاری از والدین، ناآگاهانه کودک خود را فقط با هدف تقویت مهارت‌های حافظه‌ای و انباشتن ذهن وی از اطلاعات عمومی، تربیت و هدایت می‌کنند و برای حافظه و هوش کودک اهمیتی بیش از حد قائل می‌شوند. این گروه از والدین بدون در نظر گرفتن این اصل تربیتی مهم که تنها اطلاعات عمومی و داشتن حافظه قوی برای تکامل و رشد فکری و باروری استعدادهاى کودک کافی نیست، با اصل قرارداد هوش و حافظه کودک، از پرورش سایر توانمندی‌های ذهنی و روانی کودک خود، که مهم‌ترین آن‌ها تفکر خلاق است، غافل می‌مانند.

#### ۴- قراردادن قوانین خشک و دست و پاگیر در منزل

بسیاری از والدین برای کودکان خود قوانین و مقررات خشک و محدود کننده‌ای نظیر مقدار ساعت‌های درس خواندن در روز، رأس ساعت معین خوابیدن، استفاده از لوازم خاص و... قرار می‌دهند. پدید آوردن چنین شرایطی در منزل و اصرار و پافشاری بر رعایت آن‌ها از جانب کودکان، سبب می‌شود کودک تدریجاً به قالبی و تکراری رفتار کردن عادت کند. باید توجه داشت که افکار و رفتارهای کلیشه‌ای و تکراری نقطه متضاد خلاقیت است.

#### ۲- ایجاد رقابت میان کودکان

رقابت میان کودکان معمولاً وقتی پدید می‌آید که: الف) نوعی ارزیابی و رتبه‌بندی توسط والدین وجود داشته باشد.

#### ۵ - عدم آشنایی والدین با مفهوم واقعی خلاقیت

عدم آگاهی و شناخت برخی والدین از فرایند رشد خلاقیت در کودکان و مطالعه نکردن آن‌ها در این زمینه، سبب می‌شود هیچ‌گاه نتوانند برای پرورش و شکوفایی خلاقیت کودک خود برنامه‌ریزی و اقدام صحیحی نمایند و به این ترتیب ناخواسته سبب می‌شوند استعدادهاى خلاق کودکان به هدر رود.

ب) پاداش یا جایزه‌ای در میان باشد. به طور معمول اگر کودکان احساس کنند که کار آن‌ها توسط والدین مورد ارزشگذاری قرار خواهد گرفت یا به بهترین کار جایزه یا پاداش داده خواهد شد، بیش تر از آن که به انجام بهتر آن کار بیندیشند، به کسب آن جایزه فکر می‌کنند. ضمن این که گاهی این رقابت‌ها به ستیزه‌جویی میان کودکان تبدیل می‌شود و سبب می‌گردد تا آن‌ها نتوانند از توانایی‌ها و استعدادهاى واقعی خود استفاده کنند.

#### ۶- انتقاد مکرر از رفتارهای کودک

ارزیابی پی در پی رفتارهای کودک و زیر ذره‌بین قرار دادن و انتقاد از کارهای او در خانواده؛ آزادی، امنیت خاطر و اعتماد به نفس کودک را مختل می‌سازد و ترس از اشتباه را در وی تقویت می‌کند. این ترس چنان‌چه در کودک حالت

بروز حس شوخ طبعی کودک به وجود نمی‌آید و در نتیجه در چنین محیطی بسیاری از کشش‌های خلاقانه کودک پنهان می‌ماند.

#### ۱۰- تحمیل نقش بزرگ سال به کودک

بسیاری از والدین علاقه‌مندند که کودک آن‌ها سریعاً رشد کند و کودکی خود را پشت سر بگذارد. آن‌ها گاهی برای تسریع این امر سعی می‌کنند با کودک خود همانند بزرگسالان رفتار کنند و به تبع آن از کودک خود توقع ایفای نقش‌هایی بزرگ‌تر از محدوده سنی آن‌ها را دارند. تحمیل نقش‌های کاذب بزرگ‌سالی به کودکان، روند رشد اجتماعی آنان را مختل می‌سازد و سبب پدید آمدن رفتارهای نابه‌هنجار و تصنعی در آن‌ها می‌گردد و همین امر باعث از بین رفتن بسیاری از استعدادهای خلاق دوران کودکی می‌گردد.

به تخمین کودکان خود پر و بال بدهید، آن وقت است که آن‌ها پرواز بلند آن‌ها شگفت زده خواهید شد.

مرضی پیدا کند، جرئت ابراز هرگونه اندیشه جدید یا انجام کارهایی را که در عین خلاق بودن، احتمال وجود اشتباه نیز در آن‌ها وجود دارد، در کودک از بین می‌برد و به این ترتیب خلاقیت کودک که لازمه‌اش داشتن آزادی و امنیت خاطر در محیط خانواده و خطرپذیری و عدم ترس از اشتباه می‌باشد، با مانع روبه‌رو می‌گردد.

#### ۷- بیهوده شردن تخیلات کودک

تخیل کودک اساس خلاقیت اوست و چنانچه تخیلات و رؤیاهای کودک با بی‌توجهی، تمسخر یا بیهوده انگاشتن از جانب والدین روبه‌رو شود، در واقع سرچشمه خلاقیت او خشکانده شده است.

محکوم کردن خیال‌پردازی کودک و وادار نمودن او به واقع‌بینی در خانواده نگرش و شیوه‌ای کاملاً اشتباه است و برای بذل حساس خلاقیت کودک، آفتی مهلک محسوب می‌شود.

#### ۸- عدم شناسایی علائق درونی کودک

بسیاری از کودکان خصوصاً در سنین پایین، از علائق و کشش‌های خود نسبت به موضوعات و پدیده‌های پیرامون اطلاع روشنی ندارند یا این که نمی‌توانند آن را به زبان بیاورند. این موضوع از موارد بسیار حساس به شمار می‌رود که باید از همان دوران کودکی مورد توجه والدین قرار گیرد. خانواده‌هایی که نسبت به این مسئله بی‌تفاوت‌اند و سعی نمی‌کنند انگیزه‌ها و موضوعات مورد علاقه کودک خود را شناسایی و کشف کنند، ناخواسته فرصت‌های زیادی را برای رشد خلاقیت کودک از وی سلب می‌کنند.

#### ۹- عدم وجود حس شوخ طبعی در محیط منزل

شوخ طبعی از شاخص‌های مهم خلاقیت به شمار می‌رود و وجود حس شوخی و شوخ طبعی در خانواده بسیار حائز اهمیت است، زیرا مستقیماً به خلاقیت کودک کمک می‌کند. اما در خانواده‌هایی که فضای زندگی آن‌ها خشک، رسمی و جدی است، زمینه‌ای برای

